



باسمه تعالی

الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية

International Islamic Cultural Association

انجمن فرهنگی جهانی اسلامی

10

نشریه اسلامی

نگاه

شماره: 10

تاریخ: 2012/4/12

خاص برای دانشجویان

بازگشت به سوی خدا

جوهر انسانی افتادن در مغاک گناه را ابتذال دانسته و بسوی طهارت ها و پاکی ها گرایش دارد، زیرا فرو رفتن در گناه فرو رفتن در نار جهنم بوده که ابدیت بهشتی بودن را که اقتضای آدمیت هست زیر سوال می برد، پس ای برادر هنوز هم فرصت در اختیار داری از راه گناهیکه رفته ای بازگشت نما، بسوی حق عودت نما که همه چشم براه اند تا مصدر خدمت و چراغ هدایت شوی.

(سوره التوبه، آیه ۸۰) (ای مسلمانان رجوع کنید بسوی خدا بازگشتی

پاک و ناب). سوره التحريم - 8

بنی آدم عبارت است از ندامت و افسوس و آه و بالاخره فریاد مغفرت خواهی، لذا التزام داشتن به

استغفار و بخشش خواهی را، خداوند تبارک و تعالی فرمان میدهد: (آمزش طلبید از پروردگار خود و سپس بسوی بازگردید). هود - 3

در راه و مسیریکه انتخاب نموده ای و می پیمایی توقف نموده و نگاهی به گذشته بینداز و خود را مورد

محاسبه قرار بده، اگر خطا رفته ای بلادرنگ بازگشت نما تا مبدا خویشتن را مورد ستم قرار دهی

دست برندارند، و بسوی پروردگارشان و برنامه های او باز نگردند و توبه نکنند، حتماً از ستمگران

و ظالمان می باشند). حجرات - 11

مسلمان باید از همه گناهان عام و خاص توبه نماید و بسا اوقات گناهانیکه از انسان صادر می شود

غیر آگاهانه و یا بدون قصد می باشد، توبه نمودن از این گناهان بطور همیشه بر مسلمان واجب

است، و برای گناهیکه بدون آگاهی و بدون قصد از انسان سر می زند، توبه و استغفار لازم است،

همچنان این نوع گناهان عامه توسط اعمال صالحه مانند حج و روزه و نماز بخشیده می شود.

(عن أبی هريرة رضی الله عنه قال سمعت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) یقول: أرأیتم لو أن نهرأ

ببأب أحدکم یغتسل منه کل یوم خمس مرات، هل یبقی من درنه شیئ؟ قالوا: لا یبقی من درنه

شیئ قال: فذلک مثل الصلوات الخمس، یمحو الله بهن الخطایا) (از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده

که گفت از رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمود: خبر دهید هرگاه به دروازه یکی از شما

جویی باشد، و وی روزانه پنج بار در آن غسل کند، آیا از چرکهایش چیزی می ماند؟ گفتند: از چرکهایش چیزی نمی ماند. فرمود: پس این مثل و صفت نمازهای پنج وقت است که خداوند بوسیله آن گناهان را محو می نماید. (متفق علیه)

(و عن جابر رضی الله عنه قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) مثل الصلوات الخمس کمثل نهر جار عمر علی باب احدکم یغتسل منه کل یوم خمس مرات) (از جابر رضی الله عنه روایت است که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مثال نمازهای پنجگانه مانند جوی پر آبی است که بر دروازه خانه یکی از شما جاری باشد و او روزانه در آن پنج بار غسل نماید) رواه مسلم ولی اگر از شخصی گناه خاصی سر زده باشد، در آنصورت بطور خاص از آن گناه مخصوص توبه و ابراز ندامت کند، و فوراً آنرا ترک نموده عزم عدم عودت بسوی آنرا نماید. امام نووی رحمه الله چنین می نویسد: قال العلماء: التوبة واجبة من کل ذنب، فإن كانت المعصية بین العبد و بین الله تعالی لا تتعلق بحق آدمی، فلها ثلاثة شروط: احدها: أن یقلع عن المعصية. و الثانی: أن یندم علی فعلها. و الثالث: أن یعزم أن لا یعود الیها ابدًا. فإن فقد أحد الثلاثة لم تصلح توبته.

وان كانت المعصية تتعلق بحق آدمی فشرطها أربعة: هذه الثلاثة، و أن یرأ من حق صاحبها، فإن كانت مالا او نحوه رده الیه و إن كانت حد قذف و نحوه مکّنه منه او طلب عفوّه و إن كانت غیبة استحلّه منها و یجب أن یتوب من جمیع الذنوب، فإن تاب من بعضها صحت توبته عند اهل الحق من ذلك الذنب و بقى علیه الباقي). (علماء میگویند که: توبه از هر معصیت واجب است. اگر

معصیت در بین بنده و خدا باشد و به حقوق آدمی ارتباط نداشته باشد، سه شرط دارد:

1- اینکه خود را از معصیت و گناه باز دارد. 2- اینکه از انجام دادن آن پشیمان شود. 3- اینکه تصمیم گیرد که دوباره آنرا انجام ندهد.

اگر یکی از این شروط موجود نباشد، توبه اش مورد قبول نمی افتد، و اگر معصیت به حقوق انسانها تعلق داشته باشد چهار شرط دارد، علاوه بر این شروطی که ذکر شد، اینکه از صاحب حق، برائت بگیرد. اگر این حق مال و امثال آن باشد به وی بازگرداند. اگر حد قذف و امثال آن باشد، وی را قدرت جبران دهد، و یا از او طلب عفو کند. اگر غیبت باشد بخشش طلبد. و لازم است که از همه گناهان توبه کند، اگر چنانچه از یکی از گناهان توبه نمود، توبه اش در نزد اهل حق از همان گناه درست است و بقیه بر ذمه اش می ماند.)

برای بازگشت حقیقی از فکر کردن توأم با تردد کاری ساخته نیست بلکه باید از حالتی که در آن قرار داریم، بر خیزیم و به سوی اصلاح حرکت نمائیم و انسان تائب به کلمات خلاصه نمی شود، بلکه اشک و ناله و فریاد دارد، ناله و فریاد نجات خواهی، ناله و فریاد عاشقانه و پر از درد.

(وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)

(خداوند توبه آن سه نفری را هم می‌پذیرد که (بی‌هیچ حکمی به آینده) واگذار شدند (و پیغمبر و مؤمنان و خانواده خودشان با ایشان سخن نگفتند و از آنان دوری جستند) تا بدانجا که (ناراحتی ایشان به حدی رسید که) زمین با همه فراخی، بر آنان تنگ شد، و دلشان به هم آمد و (جانشان به لب رسید. هم مردم از آنان بیزار و هم خودشان از خود بیزار شدند. بالاخره) دانستند که هیچ پناهگاهی از (خشم) خدا جز برگشت به خدا (با استغفار از او و پناه‌بردن بدو) وجود ندارد (چرا که پناه بی‌پناهان او است و بس). آن گاه خدا (به نظر مرحمت در ایشان نگریست و) بدیشان پیغام توبه داد تا توبه کنند (و آنان هم توبه کردند و خدا هم توبه ایشان را پذیرفت). بیگمان خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.) التوبه - 118

بازگشت حقیقی و آگاهانه انسان پرور و نبوغ پرور است و اصلاح ناشی از توبه یک انقلاب تکاملی بوده که گاهی آنی و گاهی تدریجی می‌باشد، و نتیجه آن بهتر زیستن و بهتر رفتن است. خداوند تبارک و تعالی بهترین بندگانش از مهاجرین و انصار صحابه را با وجود ایمان و صبر و هجرت و جهاد ایشان در آیت مدنی چنین خطاب می‌نماید: (وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (و ای مؤمنان، همه بدرگاه خدا توبه کنید باشد که رستگار شوید.) النور - 31

(عن أبي هريرة رضي الله عنه قال سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يقول: والله إني لأستغفر الله وأتوب إليه في اليوم أكثر من سبعين مرة) (از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمود: سوگند به خدا که من هر روز بیش از هفتاد بار آمرزش طلبیده و به درگاه او توبه می‌کنم.)

(و عن الأغر بن يسار المزني رضي الله عنه قال: رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يا ايها الناس توبوا إلى الله و استغفروه فإنني اتوب في اليوم مائة مرة) (از اغر بن يسار مزنی رضی الله عنه روایت است که گفت: آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ای مردم! از خدا آمرزش طلبیده و بدرگاه او توبه کنید، زیرا من در هر روز صد بار توبه می‌کنم.) رواه مسلم

توبه کردن نیاز روحی و روانی هر مرد و زن است و ابتعاد از آن گرسنگی روانی و انحطاط اخلاقی را بار می‌آورد، و ازدیاد و تراکم گناهان باعث ازدیاد و تراکم اضطرابات می‌شود و گاهگاهی و یا بسا

اوقات تحمل تصور گناهان گذشته شکنجه آمیز است و بزرگترین رنج انسان از گناه است.

بریده رضی الله عنه روایت می نماید که (ما عز بن مالک اسلمی) نزد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت: ای رسول خدا، من بر خویشتن ظلم نموده و مرتکب عمل زنا شده ام، حال می خواهم مرا پاک نمائی (حد شرعی را بر من اجرا کنی) ولی ایشان (صلی الله علیه و آله و سلم) او را باز گرداند.

فردای آن روز مجددا نزد آنحضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) رفت و گفت: ای رسول خدا، من مرتکب عمل زنا شده ام، این بار نیز او را برای بار دوم برگرداند، پس رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) نزد قومش کسی را فرستاد و پرسید آیا او از نظر عقلی دارای مشکلی است؟ و یا آیا شما سخنان او را نمی پذیرید؟ گفتند: ما از او چیزی جزء دانایی و عقل کامل ندیده ایم و او از افراد صالح و نیکو کار ما هستند. (ماعز) برای بار سوم نزد آنحضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد، باز بسوی قومش کسی را فرستادند و از احوالش سوال کردند، ولی آنان خبر دادند که موردی را در او مشاهده نکرده اند و آسیبی هم به عقلش نرسیده است، زمانیکه برای بار چهارم آمد، گودالی برای او حفر شد، سپس رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمان داد تا رجم (سنگسار) شود و سنگسار شد.

در ادامه می گوید: زنی به نام (غامدیه) آمد و گفت: ای رسول خدا من مرتکب عمل زنا شده ام، مرا پاک گردانید ولی ایشان (صلی الله علیه و آله و سلم) او را باز گرداند، فردا که شد گفت: ای رسول خدا، چرا مرا بر می گردانید؟ شاید مرا باز می گردانید همانگونه که (ماعز) را باز گردانیدید سوگند به خدا باردار(حامله) می باشم، رسول خدا فرمود: نه اما برو تا زمانیکه فرزندت را بدنیا آوری، می گوید: زمانیکه فرزندش را بدنیا آورد، نوزادش را در حالیکه در پارچه ای پیچیده بود آورد و گفت: او را بدنیا آوردم، ولی باز رسول رحمت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: برو و او را تا زمانیکه شیر می خورد، شیر بده. زمانیکه پسرش را از شیر باز کرد کودک را در حالیکه تکه نانی در دستش بود آورد و گفت: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) این فرزندم است که حالا از شیر بازش گرفته ام و غذا می خورد ایشان (صلی الله علیه و آله و سلم) کودک را به یکی از مردان مسلمان سپرد، سپس فرمان داد و گودالی برای او تا سینه اش کنده شد و به مردم فرمان داد و سنگسارش کردند، در این لحظه (خالد بن ولید) به طرف سنگی رفت و آن را به سرش زد در نتیجه خون بر چهره خالد پاشیده شد و آن زن را دشنام داد، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دشنام او را شنید و در جواب فرمود: کمی درنگ کن خالد! و عجله نکن! سوگند به کسی که جانم در دست اوست، آن زن چنان توبه ای کرد که اگر مأمور مالیاتی که به زور و ستم از مردم خراج می گیرد آنگونه توبه می کرد حتما

بخشیده می شد.) رواه مسلم

(در روایتی آمده است که عمر فاروق رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا , او را سنگسار می کنی
آنگاه نماز هم بر وی می خوانی ولی رسول رحمت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: لقد تابت توبة لو
قسمت بين سبعين من اهل المدينة وسعتهم وهل وجدت شيأ افضل من أن جادت بنفسها لله عزوجل).
(براستی که او چنان توبه ای کرده است که اگر میان هفتاد تن از ساکنان شهر مدینه تقسیم میشد
آنان را کفایت می کرد و تحت پوشش قرار میداد. (ای عمر) تو چیزی با فضیلت تر از این می یابی که
کسی تمام وجودش را به خداوند بلند مرتبه و با عظمت ببخشد و تقدیم کند.)
روایت فوق الذکر را عبدالرزاق رحمه الله در کتابش آورده است (325/7)
آثار توبه هم فردی است و هم اجتماعی یعنی با نیکو شدن یک شخص اشخاص زیادی نیک
می شوند. بنابراین طوریکه گفته آمد توبه اصلاح است و اصلاح بزرگترین باب خود آگاهی اجتماعی
است و توبه ناب و خالص آثار جاودان داشته، نهایتش بسوی فلاح و نجات است.
(ابو سعید سعد بن مالک بن سنان خدری رضی الله عنه از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت
می کند که فرمود: روزگاران قبل از شما مردی بود که (99) نفر را کشته بود، او از آگاه ترین و
و عالم ترین شخص زمین سوال کرد، راهبی را به او معرفی کردند، نزدش رفت و گفت که (99) نودونه
انسان را کشته است، آیا می تواند توبه کند؟ (آیا توبه اش پذیرفته می شود؟) گفت: نه، آن راهب
را نیز کشت و با قتل او آمار قتلهايش را به صد نفر رساند. مجدداً به دنبال آگاه ترین و عالمترین فرد
آن روزگار به جستجو پرداخت، دانشمند آگاهی را به او معرفی کردند، به آن دانشمند گفت: که
تاکنون صد تن را کشته است، آیا می تواند توبه کند؟ او گفت: بله، (می توانی)، چه کسی می تواند
بین تو و توبه فاصله انداخته و مانع شود، (سپس به آن مرد گفت:) به سوی فلان سرزمین برو
زیرا در آنجا مردمانی هستند که فقط خداوند واحد را پرستش می کنند و تو با آنها الله را پرستش کن
و مبادا به سوی سرزمین و وطن باز گردی زیرا آن سرزمین بدی است (یعنی مردم آنجا مردم زشت
هستند.) شخص تائب حرکت کرد تا به نیمه راه رسید، ولی مرگش فرا رسید، در این حالت فرشتگان
رحمت و فرشتگان عذاب در مورد او به اختلاف پرداختند فرشتگان رحمت گفتند او آمد در حالیکه قلبش
توبه کرده بود و روی به سوی الله داشت، فرشتگان عذاب گفتند: او هرگز هیچ عمل خیری انجام نداده
است، در این لحظه فرشته ای در سیمای آدمی به نزدشان آمد او را در میان خودشان به قضاوت

نشاندهند، آن فرشته گفت: فاصله ای را که در بین دو سرزمین طی کرده است مقایسه کنید به هر طرف که نزدیک تر بود او از آنجا خواهد بود (یعنی اگر به سرزمین اولی اش نزدیک تر بود از آن فرشتگان عذاب می باشد و اگر به سرزمین دوم نزدیک تر بود از آن فرشتگان رحمت می باشد). مقایسه کردند، دیدند به سرزمینی که قصد هجرت به آنجا را داشته نزدیک تر است پس فرشتگان رحمت او را در بر گرفتند. متفق علیه

و در روایت صحیح دیگری آمده است که: (به سرزمین صالحان به اندازه یک وجب نزدیک تر بود پس از اهالی آنجا محسوب شد).

همچنین در روایت صحیح دیگری آمده است که: (که خداوند بخشاینده به آن سرزمین گفت دور شو و به این سرزمین (صالحان) فرمود: نزدیک شو، سپس گفت: بین آن دو سرزمین را مقایسه کنید، در این لحظه دیدند که به سرزمین صالحان به اندازه یک وجب نزدیک تر است، بنابراین الله جل جلاله او را بخشید و مغفرت فرمود).

خداوند تبارک و تعالی می فرماید:

أَمْ يَتَّبِعُونَ الَّذِينَ مَنَعُوا آلَ فِرْعَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٥٣﴾

أَمْ يَتَّبِعُونَ الَّذِينَ مَنَعُوا آلَ فِرْعَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾

(بگو (از طرف من) ای بندگان من آنانکه زیادتى کردند بر نفسهای خود، نامید مشوید از مهربانى الله به تحقیق الله می آمرزد گناهان را همه، (هر آئینه) اوست آمرزگار مهربان) و به سوی پروردگار خود برگردید (و با ترك سيئات و انجام حسنات به سوی آفریدگارتان تغییر مسیر دهید) و تسلیم او شوید (و خاضعانه و خاشعانه از او امرش فرمانبرداری کنید) پیش از این که عذاب (خانه برانداز و ریشه کن کننده دنیوی و سخت و دردناك و سرمدی اخروی) ناگهان به سوی شما تاخت آرد و دیگر كَمْك و یاری نشوید (و کسی نتواند شما را از عذاب خدا برهاند) . سوره زمر -53-54

حدیث شریف قدسی ذیل امید داشتن به رحمت الهی را تعلیم میدهد:

(یا ابن آدم، اینک ما دعوتی و رجوتی غفرت لک علی ما کان منک ولا ابالی، یا ابن آدم لو بلغت ذنوبک

عنان السماء ثم استغفرتنی غفرت لک و لا ابالی، یا بن آدم لو انک أتیتنی بقراب الارض خطا یا ثم

لقیتنی لا تشرك بی شیئا لأتیتک بقرابها مغفرة).

(ای فرزند آدم، تا زمانیکه مرا بفریاد بخوانی و به من امید داشته باشی، هر چه که بر آن باشی

می بخشایمت و برایم این عمل مهم نیست، ای فرزند آدم اگر گناهانت به بلندی آسمان برسد و

سپس از من آمرزش طلبی ترا می آمرزم و باکی ندارم، ای فرزند آدم، اگر تو نزد من به اندازه وسعت

و پهنای زمین اشتباه و خطا بیاوری و با من ملاقات کنی در حالیکه برایم شریکی قرار نداده ای، من

نیز به نزد تو خواهیم آمد در حالیکه به همان اندازه خطاهایت، بخشش و مغفرت به همراه داریم.) رواه الترمذی
وسعت رحمت است که روح انسان تائب را بسوی بهار امیدها و آرزوها مانند پرنده جوینده آینده
شکوفای یقین نوین بیرواز می آورد.

(رحمت من همه چیز را فرا گرفته است). سورة اعراف - 156

هر انسان به هر میزانی که به توبه نیاز احساس کند، به همان پیمانۀ سرشت و طینت پاک دارد،
و بازگشت به خویش و خوبستن شناسی و خود سازی شعارهای شور انگیز و شعور انگیز فطرت اند.
و قلب و روح عاصی مانند کویر خشک و بی آبی است که تنها و تنها باران اشکهای ندامت و افسوس
تنهایی ها بشارت و مزده حیات را برایش به ارمغان می آورد.

(چون بندگانم درباره من از تو پرسند،

{بگو} به راستی که من {بسیار} نزدیکم. {و} دعای دعا کنندگان را هنگامی که مرا {به دعا} بخوانند

{جواب می دهم} روا می دارم.) سورة بقره - 186

همچنان پروردگار عالمیان چنین لطف می نماید:

(آیا نمی دانند که تنها الله است که توبه بندگان را

(بدون هر واسطه ای) می پذیرد.) سورة توبه - 104

از مشخصات بازگشت، اخلاص و ثبات مستمر می باشد، زیرا استقامت پیگیر، عبادت را از حالت
سمبولیک و تظاهر مآبانه بیرون می کند و تظاهر عامل مخدری است که جوهر پرستش را مبتذل
می کند.

بدیهی است که ترک معاصی بدون سعی و تکاپوی توأم با التماس فضل الهی از اقلیم امکان
بعید می باشد، و با شجاعت و آگاهی می توان اسلوب زندگانی و روند تاریخ را تغییر داد، و
هرگز اشخاص بزدل و فاقد عزم راسخ، تاریخ را نساخته اند، بلکه همواره قربانی جبر منفی تاریخ
می شوند، در حالیکه اصل تغییر در طول تاریخ فردی و اجتماعی تغییر ناپذیر است.

بنابراین رسالتمند روشنفکر علیه جو ناملایم اجتماعی مبارزه می نماید، زیرا اثبات ابداع و ابتکار
یک رسالتمند آگاه، ایجاد راه حل های نجات از ابتذال است و برمسلمان است تا دوست را از دشمن
در کمین نشسته تمییز نموده، تعیین خط و جهت و جبهه نماید، و وعد و وعید و عقاب و ثواب
و جلالت و عظمت الهی را در نظر گرفته بسوی خدا بازگشت کند، زیرا اقلیم گناه پر از جانوران
وحشی شیطان صفت است که هر لحظه آرامش و سکون بلکه حیات آدمی را تهدید می نماید
زیرا شیطان در حد ضلالت خودش اکتفاء نکرده بلکه عهد نموده و بعزت خداوند متعال سوگند

یاد کرده است که معصیت را برای بنی آدم مزین ساخته و با ریسمان فریب وی را ببندد، تا همیشه ناکام و نامراد باشد.

برای آدمیان براه راست تو، باز البته بیایم (بسوی ایشان) از پیش ایشان و از عقب ایشان و از جانب راست ایشان و از جانب چپ ایشان، و نمی یابی اکثر ایشان را شکر گذار. (سوره اعراف - 16 - 17)

دیگر باره خبر ده مرا که اینرا گرامی کردی بر من اگر مهلت دهی مرا تا روز قیامت البته از بیخ برکنم اولاد او را مگر اندکی. خدا فرمود برو پس هر کسیکه پیروی تو کند از ایشان پس (هرآئینه) دوزخ سزای همه شماست سزای کامل، و از جاجنبان هر کرا توانی از ایشان به آواز خود و بیار (برانگیز) بر ایشان سواران خود را و پیادگان خود را و شریک شو با ایشان در اموال و فرزندان و وعده ده ایشانرا، و وعده نمیدهد ایشانرا شیطان مگر فریب. (سوره اسراء - 62 - 63 - 64)

بزرگترین انقلاب در زندگی فردی و اجتماعی انسان توبه و بازگشت به قدرت عظیم حق است. و خداوند متعال از اوج قدرت برای تائبین اعلان عفو و مغفرت می نماید. (عن ابی موسی عبدالله بن قیس الاشعری رضی الله عنه عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) قال: (إن الله تعالی بیسط یده باللیل لیتوب مسئ النهار، و بیسط یده بالنهار لیتوب مسئ اللیل حتی تطلع الشمس من مغربها) (از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت است که آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خداوند دست (بلا کیف) خویش را به شب می گستراند تا توبه کسی را که در روز گناه نموده قبول نماید و دست خویش را به روز می گستراند تا توبه گنهکار شب را بپذیرد، تا زمانیکه آفتاب از مغرب طلوع کند.) رواه مسلم